

طفل گريز پای

● فتانه آزاد

کارشناس آموزش ابتدایی لارستان، فارس

عباس کلاس اول بود و از آمدن به مدرسه زیاد راضی نبود. او به اصرار مادر راهی مدرسه می‌شد. اوایل سال یک روز وقتی وارد کلاس شدم و حضور و غیاب کردم، بچه‌ها گفتند: «خانم، عباس غایب است.» در

همین لحظه صدای بلند گریه‌ای از حیاط مدرسه شنیدم

و دیدم مادر عباس، کشان کشان او را می‌آورد. از کلاس بیرون آمدم و به طرف

عباس رفتم. به او، که خود را پشت مادر پنهان کرده بود، گفتم: «سلام عباس جان، چرا ناراحتی؟ از من

خوشت نمی‌آید، نگاه کن من برایت کاکائو گرفته‌ام؛ بیا بردار.» عباس سرکی کشید و با پشت دست اشک‌هایش را پاک کرد.

کاکائو را ورانداز می‌کرد و دچار تردید بود که مادر را رها کند و یا شیرینی را بگیرد. بالاخره عباس کاکائو را گرفت و من به مادرش اشاره کردم که برود.

بعدهم دست پسر را گرفتم و گفتم: «دوست داری قصه یا شعر برایت بخوانم؟» شعری کودکانه برایش خواندم. لبخندی بر لبان عباس نقش بست. او

را به طرف زمین فوتبال بردم. گفتم: «خانم این‌جا فوتبال بازی می‌کنند؟» گفتم: «بله، امروز هم ورزش داریم. تو می‌توانی با بچه‌ها فوتبال بازی کنی.»

خلاصه همان روز عباس را با محیط آموزشگاه، بیشتر آشنا کردم. هر چند دقایقی از وقت کلاس گرفته شد ولی خوشبختانه توانستم طفل گریز پای را

به مدرسه برگردانم. چند روز بعد که مشغول سرخط دادن بچه‌ها بودم، عباس گفت: «خانم، چرا جمعه تعطیل است؟ نمی‌شود جمعه‌ها مدرسه باز باشد

و به مدرسه بیاییم؟» و من ناگهان به یاد شعری افتادم که می‌گوید:

درس معلم آر بود زمزمه‌ی محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

میز تکریم

● حسینعلی مؤمنی

مدیر دبستان پسرانه‌ی اینار، ناحیه‌ی یک زاهدان

در این فکر بودم که چگونه می‌توانم از توان و نظرات دانش‌آموزان کم‌توجه به مسائل دبستان و تعلیم و تربیت استفاده کرد. تعدادی از

بچه‌ها بودند که فقط به مدرسه رفت و آمد می‌کردند و هیچ عکس‌العملی نسبت به فعالیت‌های روزمره‌ی دبستان نشان نمی‌دادند.

روزی ناگهان چشمم به میزی افتاد که گوشه‌ی سالن مدرسه خاک می‌خورد. ایده‌ام داشت شکل می‌گرفت.

آن را تمیز کردم و با تهیه‌ی یک دسته‌گل و یک صندلی مناسب، عنوان «میز تکریم دانش‌آموز» را برایش انتخاب کردم.

طی همفکری با همکاران به این نتیجه رسیدیم که می‌توان شرح وظایفی برای آن نوشت و به نوبت خواهش کرد تا رئیس شورای

دانش‌آموزی و گاهی رئیس انجمن اولیا و مربیان دبستان آنجا بنشینند و فرصتی برای سؤال و جواب میان دانش‌آموزان و مسئولان دبستان

ایجاد شود.

از مربیان و آموزگاران هم خواهش کردم تا با توجه به مفاد طرح تحول بنیادین و استقرار پایه‌های مختلف تحصیلی از جمله پایه‌ی ششم

به سؤالات احتمالی دانش‌آموزان پاسخ دهند. از کارکردهای دیگر این میز، پاسخ‌دهی مناسب و سریع به مراجعان مدرسه بود که گاه و بیگاه

سری به دبستان می‌زدند.

این تجربه باعث هم‌بستگی بیشتر همکاران و ارتقای حس همکاری انجمن اولیا و مربیان و شادابی دانش‌آموزان به دلیل مشارکت در امور

مدرسه شد. آن‌ها می‌دیدند که جایگاهی برای توجه به آن‌ها وجود دارد.